

تحلیل زیبایی‌شناختی لحن در حبسیه‌های مسعود سعد سلمان

دکتر علی آسمند جوفنقانی^۱

چکیده

یکی از زیرشاخه‌های انواع ادب غنائی در فارسی حبسیه یا زندان نامه است. مسعود سعد از بین شاعران ایران بیشترین حبسیه را دارد. اشعار حبسیه او در بافت کلام، بیانگر لحن‌های متنوعی است که در زیبایی‌شناختی و فضاسازی پیام او نقش بسزایی دارد. عناصر سازنده لحن‌های متفاوت در حبسیه‌ها به علت خلق و خوی خاص و جزئیات ساختاری در بافت کلامی مسعود سعد، در ایجاد ارتباط با خواننده و زیبایی‌شناختی شعرش تأثیر گذاشته است. هدف از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر در ایجاد لحن و انواع آن در حبسیه‌های مسعود سعد است. در این تحقیق با ابزارهای کتابخانه‌ای به روش توصیفی تحلیلی، عوامل فکری، عاطفی، ادبی و زبانی لحن ساز که در تنوع لحن در شعر او مؤثر بوده را مورد بررسی قرار داده‌ایم و به این نتیجه دست‌یافتیم که عناصر متعددی همچون صور خیال، موسیقی درونی، بیرونی و کناری، اصوات و آواهای مناسب حبسی، قالب‌های قصیده و قطعه، وزن، واژگان، هجاها و الگوی ساختاری از عوامل ایجاد لحن در حبسیه‌های مسعود سعد هستند و او در ساخت حبسیه‌ها انواع لحن انتقادی، اعتراضی، دادخواهانه، پرخاشگرانه، گلایه‌آمیز، اندوهگینانه، عاجزانه و... را استفاده کرده است. این تنوع لحن در زیبایی‌شناختی و میزان توفیق در انتقال پیام تأثیر داشته و او را متمایز از دیگران ساخته به همین دلیل بدون درک نوع لحن، فهم معنی و ساختار شعر او با مشکل مواجه می‌شود.

واژگان کلیدی: لحن، حبسیه، مسعود سعد، زیبایی‌شناختی، موسیقی،

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

مقدمه

بررسی دیوان مسعود سعد نشان می‌دهد آنچه مسعود سعد را متمایز کرده، حبسیه‌های او و توصیف غم و اندوه و رنج‌های بی‌پایان و دل‌تنگی‌های او در محبس و درد و رنج ناشی از شکنجه و ناامیدی او از بخت و روزگار و بی‌قدری دانش است که شاعر بارنگ‌آمیزی عاطفی کلام و با لحن‌های مختلف زوایای مختلف زندگی و شخصیت خود را برای خواننده شناسانده است. در پژوهش‌هایی که در مورد مسعود سعد انجام گرفته موضوع حبسیه و درد و رنج‌های او مورد مذاقه محققان قرار گرفته است؛ اما تاکنون در خصوص عنصر لحن به‌عنوان مهم‌ترین عنصر زیبایی‌شناختی در حبسیه‌های او و میزان تأثیرگذاری آن در مخاطب مطالعه‌ای انجام نگرفته است.

مسعود سعد یک‌چهارم از بهترین ایام زندگی خود را در زندان گذرانده است. اشعاری که او با لحن‌های مختلف عاطفی در گوشه‌های زندان‌های تاریک سو، دهک و نای سروده، سبب تمایز او نسبت به دیگر شاعران مداح ماقبل و هم‌زمان خود شده است. اشعار حبسیه او چنان جان‌سوز و غم‌انگیز است که برترین حبسیه‌های ادبی را می‌توان متعلق به او دانست. به قول نظامی عروضی «وقت باشد که من از اشعار او همی خوانم موی بر اندام من بر پای خیزد و جای آن بود که آب از چشم من برود.» (نظامی عروضی، ۱۳۳۸: ۸۲) «وقتی اشعار او را که به‌مثابه ناله‌های جان‌گدازی، زجرهای شب‌های سرد و تاریک و خلوت او با اختران آسمانی را منعکس می‌کند و عاجزانه خود را بی‌گناه می‌خواند، از او جانب‌داری می‌کنیم و بر دژخیمان خودکامه قدرتمندی که بقای چند صباح بیشتر خود را بر همه‌چیز رجحان می‌دهند لعنت می‌فرستیم.» (سبحانی، ۱۳۷۲: ۴۴) در این پژوهش، برای شناخت تجربیات و احساس و عواطف شاعر و این‌که چگونه تصورات درونی‌اش را به منصف ظهور رسانده و این حس و حال را به خواننده منتقل کرده با مطالعه کتابخانه‌ای در دیوان مسعود سعد به روش توصیفی و تحلیلی ابتدا به عناصر شکل‌دهنده لحن در اشعار این شاعر پرداخته‌ایم و سپس انواع لحن را در حبسیه‌های مسعود سعد را که مهم‌ترین ابزارهای تبادل پیام است مورد بررسی قرار داده‌ایم.

بیان مسأله

شاعران بر اساس نوع ادبی و محتوای اشعار خود برای انتقال اندیشه از لحن‌های مختلف استفاده می‌کنند. موضوعی که سبب انجام تحقیق در مورد شعر مسعود سعد شده است؛ این است که درد و رنج‌ها و ناامیدی‌های این شاعر ناشی از حبس‌های طولانی، سبب لحن و فضا سازی متفاوت با دیگر شاعران شده است. مسعود سعد در توصیف حبسیه‌های خود در قالب قصیده و قطعه از این لحن بهره می‌برد و این ویژگی خاص و مهم شعر او محسوب شده است به گونه‌ای که بدون درک درست از لحن این شاعر ویژگی‌های ادبی و زبانی این شاعر قابل فهم نبوده و زیبایی‌های شعر او ناشناخته خواهد ماند در اینجا سؤال این است که عوامل لحن ساز در شعر مسعود سعد کدام‌اند؟ او در شعر خود از چه لحن‌هایی استفاده کرده است؟ آیا انتخاب لحن او تحت تأثیر حبسیه‌های او قرار گرفته است یا خیر؟ فرض بر این است که عوامل مختلفی همچون موسیقی، صور خیال، واژگان، آرایه‌های ادبی، محیط زندان و غم و اندوه ناشی از آن و... سبب شده است مسعود سعد از لحن‌های مختلف برای تأثیرگذاری در مخاطب خود استفاده کند و از طریق فضا سازی‌های زبانی بر مخاطب خود تأثیر گذارد. هدف از این تحقیق کشف گونه‌های مختلف لحن حبسیه و زندان سروده‌های مسعود سعد است که در زیبایی بیان و موسیقی واژگان و کیفیت ادای هجاها مؤثرند.

پیشینه پژوهش

در خصوص لحن چندین مقاله نوشته شده است، از جمله مقاله «عوامل ایجاد، تنوع و تغییر و نقش لحن در شعر» از محمدرضا عمران پور (۱۳۸۴) و مقاله درآمدی بر لحن محاوره در شعر» از شمس آقاجانی (۱۳۷۸) مقاله‌های متعددی هم به بررسی لحن در شعر پرداخته‌اند از جمله مقاله «عناصر لحن حماسی در بخش اساطیری شاهنامه» نوشته عباسعلی وفایی و رقیه کاردل ایلواری (۱۳۹۶) همچنین «بررسی لحن در شعر اخوان» از مهدی دهرامی (۱۳۹۴) و مقاله عوامل مؤثر در ایجاد لحن حماسی در شعر خاقانی از نرگس اسکویی (۱۳۹۳) و مقاله «تأثیر لحن در انتقال پیام با تکیه بر شاهنامه از نوشاد رضایی و محمد یآوری (۱۳۹۳) و مقاله لحن تعلیمی در دیوان حافظ، از احمد

رضی و سهیلا فرهنگی (۱۳۹۲) و مقاله «نقش و تأثیر عامل لحن در سبک حافظ» از فرهاد طهماسبی (۱۳۹۱) ولی تاکنون به بررسی لحن حبسیه‌های مسعود سعد پرداخته نشده است. مقالاتی که لحن را به‌عنوان یکی از عوامل سبک‌ساز و زبانی موردبررسی قرار داده است همچون، لحن حماسی در قصاید عنصری از مریم دشتی و محمدعلی صادقیان (۱۳۸۸) از میان شاعران کلاسیک، حافظ بیش از سایرین موردتوجه قرار گرفته است. در کتاب «مکتب حافظ» منوچهر مرتضوی و کتاب «گمشده لب دریا» تقی پور نامداریان اهمیت و نقش لحن را در کلام حافظ یادآوری کرده‌اند. در مورد سعدی نیز چندین مقاله نوشته‌شده است اما پژوهشی درباره موضوع این مقاله تاکنون انجام نشده است.

مبانی نظری

حبسیه را عموماً جزو اقسام شعر غنائی آورده‌اند. در کتاب «شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب» عبدالحسین زرین‌کوب موضوع حبسیه را طرح کرده و آن را جزو مرثیه آورده است. (زرین‌کوب، ۱۳۴۶: ۱۷۰) ولی کتاب "در گلستان خیال حافظ" اثر خسرو فرشیدورد این موضوع را در شمار شعر نگرانی و دلهره و شکوا ذکر کرده است. (فرشیدورد، ۱۳۵۷: ۲۱۴) زین‌العابدین مؤتمن این موضوع را تحت عنوان حسب‌حال و شکوا ذکر کرده (مؤتمن، ۱۳۴۶: ۱۷۳-۱۷۶) به‌رحال بیان غم و اندوه و رنج‌های زندان اعم از تنگی زندان و بدرفتاری و شکنجه زندانبان و بدی اوضاع زندان و مشکلات ناشی از ناسازگاری بخت و روزگار و تنهایی و بی‌وفایی دوستان و ناامیدی از اوضاع و نابسامانی و حسرت از گذشته و نکوهش بدخواهان و قدرشناسی ممدوحان و بی‌تمیزی و سفله‌پروری بخت و پشیمانی از رفتار گذشته از محتوای اشعار حبسیه است. برای این‌که انتقال تجارب شاعر در مخاطب خود تأثیرگذار باشد باید از عنصر عاطفه و احساس برخوردار باشد از این‌رو شاعر برای همراه کردن مخاطب با خود لازم است نگرش عاطفی خود را در شعر لحاظ کند و از رنگ عاطفی کلام که از آن به‌عنوان عنصر لحن یاد کرده‌اند کمک بگیرد. لحن در لغت به معنی آواز خوش و موزون و یا آهنگ و صوت است «لحن» معادل واژه «تن» و «عبارت است از نگرش و احساس گوینده یا نویسنده نسبت

به محتوی پیام که از طریق فضاسازی زبان ایجاد می‌شود. (عمران‌پور، ۱۳۸۴: ۹) در تعریف لحن گفته‌اند: «لحن نحوه القای حرف‌های ناگفته از طریق زبان (اسکولز، ۱۳۷۸: ۲۹) است. به عبارتی «اجتماع اصواتی مطبوع را که با زیروبمی خاص و ترتیبی معین در پی یکدیگر قرار گرفته باشند، لحن گویند.» (ملاح، ۱۳۶۳: ۱۸۴) انتقال احساس و عواطف که برآمده از نوع احوال درونی و مضمون و مفهوم یک اثر است و در قالب آواها و نغمات با حال و هوای مختلفی ظهور و بروز می‌یابد لحن خواننده می‌شود. «برای آنکه انتقال به بهترین وجه انجام گیرد، ضروری است که کلام مطابق و مناسب با اراده گوینده و انتظار مخاطب بیان شود. (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۱۱) چراکه لحن «سلوک شاعر است برای توصیف و برجسته‌نمایی موضوع و حس و حالی که توسط همه عناصر در شعر آفریده شده است. (ارشد نژاد، ۱۳۷۷: ۷۵) به همین دلیل برای انتقال درست پیام و ایجاد زمینه‌رسانی آن شاعر باید به ارتباط و هماهنگی بین واج‌ها و تکرار آن‌ها و تناسب هجاها و واژه‌ها و ترکیبات توجه ویژه‌ای داشته باشد. شاعران بنا به نوع شعر خود و از سوی دیگر روحیات و عواطف درونی خود شیوه بیانی را که «مفهومی موشکافانه است و بر یکی از جنبه‌های رفتاری نظیر خشم، التماس، ملال، تکبر، بذله‌گویی و غیره دلالت دارد.» (اسکویی، ۱۳۹۳: ۴) انتخاب می‌کنند. این نحوه القای سخن با شناخت زبان و عناصر زبانی در ارتباط است.

عناصر لحن ساز در حبسیه‌های مسعود سعد

با توجه به اهمیتی که لحن در انتقال عواطف و احساسات شاعر دارد و تأثیر زیباشناختی آن، مسعود سعد در حبسیه‌های دیوان خود در قالب قصیده و قطعه و چند مورد نیز رباعی به فراخور موضوع و شرایط از لحن‌های متفاوت و متنوعی استفاده کرده است. با توجه به ساختار حبسیه‌های شعر او در قالب قصیده و قطعه، بهترین محمل و منبع اصلی لحن‌ساز، شرح گرفتاری‌ها و سختی‌های محبس و سخن از اشک و ناله و افسوس و شکوا از روزگار و بخت است. در ایجاد لحن او علاوه بر واژگان، عناصر متعددی همچون صور خیال، موسیقی، آرایه‌های ادبی، مضامین لحن‌ساز، قالب، وزن، هجاها و فرایندهای واجی مؤثرند. «تمامی عناصر شعر به ما در تشخیص

لحن کمک می‌کنند: معنای تلویحی، تصویرسازی، استعاره، کنایه، ضرباهنگ، ساخت جمله و الگوی ساختاری» (پرین، ۱۳۹۳: ۲۲۰-۲۲۱) اسباب شناخت عناصر لحن در کلام شاعر گوناگون هستند. در این بخش به عناصر مهم لحن‌ساز در حبسیه‌های مسعود سعد اشاره می‌شود.

۱- موسیقی درونی: این موسیقی از هرگونه تناسب بین واژگان، حروف و اصوات حاصل می‌شود و به قول فرمالیست‌ها از اجزای اصلی شعر و عامل مهم در موسیقایی شدن شعر است. در این نوع از موسیقی «هر شاعری، نظام آوایی خاص خود را داراست و هر شعر موسیقی ویژه خویش را دارد که با دیگر بخش‌ها متفاوت است و حتی هر مصرع در این چشم‌انداز، نظام خاص خود را داراست.» (خانلری، ۱۳۷۳: ۱۶۳) آرایه‌های لفظی همچون واژگان متناسب و هماوا جناس و ترصیع و تکرار و انواع آن اشتقاق، واج‌آرایی‌ها یا نغمه حروف در تلطیف موسیقی درونی شعر او برجسته‌اند. این موسیقی از طریق همنشینی و کشش موسیقایی سبب ایجاد لحن می‌شود. می‌توان گفت موسیقی درونی با خلق لحن در دو مرحله اتفاق می‌افتد، موسیقی درونی لفظی ناشی از صنایع بدیعی که در شعر مسعود سعد به این ظرافت‌های زبانی که در ایجاد لحن مؤثرند توجه شده است اینک برای نمونه مصادیقی که لحن‌ساز هستند از شعر آورده می‌شود.

تیر و تیغ است بر دل و جگرم غم و تیمار دختر و پسرم
هم بدین‌سان گذاردم شب و روز غم و تیمار مادر و پدرم

(مسعود سعد: ۳۳۱)

موازنه بین تیر و تیغ و غم از یک‌سو و جگرم و پسرم از سوی دیگر و همچنین جناس بین تیر و تیغ و مراعات‌النظیر بین دختر و پسر و شب و روز و مادر و پدر لحن غمانه و حزن‌آلود را منتقل می‌کند.

عمرم همی قصیر کند این شب طویل وزانده کثیر شد این عمر من قلیل
دوشم شبی گذشت چه گویم چگونه بود همچون نیاز تیره و همچون امل طویل
از ساکنی چرخ و سیاهی شب مرا طبع از شگفت خیره و چشم از نظر قلیل

(همان: ۳۲۰)

در بیت اول همنشینی قلیل و طویل و قصیر و کثیر و همراهی آن با انده و عمر و در بیت دوم شب و تیره و امل و نیاز با همنشینی هم با لحن پرسشی و بیت سوم سیاهی و شب و شگفت و خیره و چشم و کلیل همگی بر لحنی پراضطراب و غم اندوه حکایت دارد.

در موسیقی درونی یکی از عوامل لحن ساز آواهاست از جمله مصوت‌ها و صامت‌ها در بطن کلام و به‌خصوص در واج‌آرایی درون مصراع‌ها. وقتی شاعر می‌گوید «نالَم به دل چو نای من اندر حصار نای» همنشینی مصوت‌های بلند "آ" در مصراع و جناس بین دو واژه نای لحن فریاد و افغان وای و آه غم‌انگیز شاعر را در ذهن مخاطب تداعی می‌کند. این موسیقی که ناشی از اصوات است در آفرینش لحن مؤثر است چراکه بیش از نیمی از موسیقی درونی، ناشی رقص مصوت‌هاست به طوری که زیبایی ناشی از موسیقی صوتی است نه الزاماً تناسب بین تعداد واک‌ها یا حتی تناسب شکلی و لفظی بین واک‌ها.

۲- موسیقی بیرونی (وزن و تناسب هجاها): «منظور از موسیقی بیرونی شعر، جانب عروضی وزن شعر است که بر همه‌ی شعرهایی که در یک وزن سروده شده‌اند، قابل تطبیق است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۳۹) در یک بیت، ارکان عروضی شامل هجاها و ترکیب صامت و مصوت‌ها نظم خاصی را به وجود می‌آورند که «بر کل پیکره شعر حاکم بوده و آن شعر در وزن خاص آهنگ و لحن یکسانی بر کل شعر حاکم می‌شود به عبارتی نظم خاصی که در یک مجموعه آوایی به لحاظ کوتاه و بلندی مصوت‌ها و یا ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها وجود دارد.» (همان: ۹۱) این موسیقی در ایجاد لحن نقش مهمی را ایفا می‌کند و بر اساس محتوای حبسیه و غمانه بودن آن‌ها «همیشه تألیفی از الفاظ است که در آن شماره نسبی و هجاها کوتاه از هجاها بلند بیشتر است و این امر موجب استحکام و صلابت کلام می‌شود.» (خانلری ۱۳۷۳: ۱۱)

مسعود سعد در قالب قصیده و قطعه به بیان دردها و رنج‌های خود در زندان پرداخته و «چون در مقدمه قصاید شاعر مجالی فراخ برای بیان مقاصد خویش دارد، دریا دریا غم و اندوه را در قالب کلمات به خواننده القا می‌کند» (محبوب، ۱۳۷۲: ۶۵۶) به جز قصیده و قطعه که شاعر گاه کل شعر را به حبسیه اختصاص داده، مواردی از رباعی نیز با لحن حبسیه را می‌توان دید.

اوزان این قصاید به شرح زیر است:

۶ قصیده	مفعول و فاعلات و مفاعیل و فاعلن
۱۴ قصیده	فاعلاتن مفاعلن فاعلان
۵ قصیده	مفعول و مفاعلن مفاعیل (مفاعیلن)
۶ قصیده	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلان
۲ قصیده	فعولن فعولن فعولن فعول (فعولن)
۱ قصیده	مفعول و فاعلاتن مفاعیلن
۱ قصیده	مفعول مفاعیل فاعلاتن
۱ قصیده	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلان
۲ قصیده	مفعول و مفاعیل مفاعیل مفاعیل
۱ قصیده	مفتعلن مفتعلن فاعلن
۱ قصیده	مفعول و مفاعلن مفاعیلن

اوزان قطعات:

۱۱ قطعه	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل
۲ قطعه	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلان
۶ قطعه	فاعلاتن مفاعلن فاعلان
۱ قطعه	مفعول و مفاعلن مفاعیلن
۱ قطعه	مفعول و مفاعلن فعولن
۱ قطعه	مفاعلن فاعلاتن مفاعلن فاعلان
۱ قطعه	مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

وزن‌های عروضی در حبسیه‌ها از عناصر مهم دخیل در لحن هستند. مسعود سعد از تعداد ۳۲۸ قصیده ۴۴ قصیده و از تعداد ۱۴۱ قطعه ۲۳ قطعه و از ۴۱۴ رباعی ۴۹ رباعی در موضوع حبسیه و حسب حال سروده است؛ که وجه تمایز او نسبت به دیگر شاعران قبل از خود در همین

حبسیه‌هاست. وگرنه دیگر شاعران در سرودن قصاید مدحی توانا تر از مسعود سعد بوده‌اند. او در قصاید و قطعات از بحر هزج و مزاحفات آن خفیف، مجتث و مزاحفات آن، متقارب و وزن رباعی استفاده کرده است. چون این وزن‌ها عموماً بیانگر حالت غم و اندوه و اضطراب است لذا با لحن شاعر رابطه مستقیم دارند.

بحر عروضی	بحر خفیف	بحر هزج	بحر مجتث	بحر مضارع	بحر مقارب	بحر محرمل	رباعی
قصاید حبسی	۹ قصیده	۸ قصیده	۱۳ قصیده	۸ قصیده	۳ قصیده	۳ قصیده	۴۹ رباعی
قطعات حبسی	۱ قطعه	۱۳ قطعه	۸ قطعه	۱ قطعه	-	-	

۳- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)؛ قافیه هماوایی ناتمامی است که از تکرار یک یا چند صوت با توالی یکسان در پایان آخرین واژه‌های نامکرر مصاریم یا ابیات یک شعر و گاه پیش از ردیف می‌آید. (حق‌شناس، ۱۳۷۰: ۴۴) ردیف نیز «همگونی کاملی است که از تکرار یک عنصر دستوری یگانه (واژه، گروه، بند یا جمله) با توالی یکسان و با نقش‌های صوتی، صرفی، نحوی و معنایی یکسان در پایان مصاریم یا ابیات یک شعر و بعد از واژه قافیه پدید می‌آید.» (همان: ۵۹) نظام موسیقایی کناری نیز به دلیل یکسانی آواها و تکرارهای متعدد در پایان شعر گاه با همراهی با رقص واژگان باعث ایجاد لحن شده و کلمه قافیه را به‌اندازه چند رکن دارای کشش می‌کند این رقص در موسیقی کناری نیز تأثیر می‌گذارد و گرچه در ماهیت آن‌ها را تغییر نمی‌دهد ولی کشش آن‌ها را کم‌وزیاد می‌کند؛ و در خلق لحن در کناره‌های هر بیت واژگان قافیه و ردیف قرار دارند این قافیه و ردیف ممکن است در داخل مصراع‌ها واقع شده باشد که نقش برجسته‌ای در تغییر لحن موسیقی شعر دارند. به‌خصوص اگر در این قافیه‌ها آرایه‌های ادبی به‌کاررفته باشد. «قافیه در شعر کهن در تمام ابیات یگانه است و ممکن است از یک، دو یا سه هجا تشکیل گردد؛ ... تا در کلام،

موسیقی خاصی ایجاد کند و یا تشخیصی به کلمات پایان مصراع‌ها ببخشد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۳: ۲۲۱)

در بررسی بر روی کلمه‌های قافیه در ۴۴ قصیده و تعداد ۲۳ قطعه حبسیه از بین ۶۷ قافیه که در آفرینش لحن تأثیر دارند حدود ۸۸ درصد از قالب‌های شعری قصیده و قطعه واژگان قافیه سرشار از مفاهیم حرمان و افسوس و لحن خاص حبسیه را به ذهن متبادر می‌کنند. واژگانی مثل شکایت، سعایت، جنایت، حمایت، و... در یک قصیده و کلمه‌های بکا، خطا، بلا، مبتلا، جفا، فنا، عنا رجا و... در قصیده دیگر و عطشان، دربان، حرمان، زندان، طغیان، بهتان، ترسان، هراسان و... در قصیده‌ای دیگر و شناعت، شفاعت، براعت، شجاعت و... در یک قطعه و در قطعه دیگر بند افکنندی، برکنندی، نپسندی، پراکندی و بندی و... دارای لحن و مضمونی هستند که در انتقال مفهوم غم‌انگیز و انتقادی تأثیر دارند. ضمن این‌که در موارد متعددی کلمات قافیه دارای جناس و سجع نیز هستند و در واژگانی مثل نای و نای، تنگ و رنگ، ترسان و هراسان، آرایه جناس را تشکیل می‌دهند. از مجموع ۴۴ قصیده، چند قصیده ردیف دارند که: شد، باشد، است و آمد فاقد لحن عاطفی‌اند ولی عمده قوافی القاکننده لحن تأثر و حسرت است.

تعداد کلمات قافیه متجانس با حبس	قصاید دارای قوافی غیر متجانس با حبس	ردیف‌های متجانس با حبس	ردیف‌های غیر متجانس با حبس
۸۸ درصد	۱۲ درصد	۰ درصد	۱۰۰ درصد

محتوا و مضامین حبسی

۱- توصیف زندان: در حبسیه‌ها علاوه بر موسیقی شعر، توصیف زندان و فضای آن و زندانبانان نقش مهمی در ایجاد لحن ترس و اضطراب ایفا می‌کنند. استفاده از لغات حبسی در شعر دمیدن لحنی غم‌انگیز را به خواننده انتقال می‌دهد. استفاده از کلمات شکنجه و قل و بند و زنجیر القاکننده ترس و خشونت زندان.

*توصیف کف زندان

در این حصار خفتن من هست بر حصیر چون بر حصیر گویم خود هست بر حصا

(مسعود سعد: ۱)

*توصیف تنگی محیط زندان

زین سمج تنگ چشمم چون چشم اکمه است

زین بام پست پشتم چون پشت پارسا

(همان)

و:

اندر آن تنگی ام که وحشت او جان‌ودل را گلو بیفشارد

(همان: ۱۰۶)

*توصیف سیاهی زندان

سقف این سمج من سیاه شبی است که دو دیده به دوده انبارد

(همان)

*توصیف پنجره زندان

روز هر کس که روزنش ببند اختری سخت خرد پندارد
گر دو قطره به هم بود باران جز یکی را به زیر نگذارد
چشم ازو نگسلم که در تنگی به دلم نیک نسبتی دارد

(همان)

توصیف وضعیت خود در بلا

*ضعیف و لاغر بودن شاعر

همچو من در میان خلق نحیف

در میان نجوم نجوم سها

(همان: ۱۹)

* ناامیدی و یاس

من بلا را نشانده پیش و بدو شده خرسند اینت هول و بلا
همت من همه دران بسته که مرا عمر هست تا فردا

(همان)

* بند و غل و زنجیر در پای داشتن

موی‌ها بر تنم چو پنجه شیر بند بر پای من چو اژدرها
ناله زار کرد نتوانم که همه کوه پر شود ز صدا

(همان)

* چشمان خونین و اشک خون‌آلود

اشک راندم ز دیدگان چندان کز دل سنگ بردمید گیا
رخم ز چشمم هم چهره تدرو شود چو تیره شب را همگونه غراب کنند
گل مورد گشته است چشم من ز سهر ز آتش دلم از گل همی گلاب کنند

(همان: ۹۵)

* دوری از مادر و فرزندان

در غم زال مادری که شده است از غم و درد و رنج من شیدا...
من بدین گونه مانده در فریاد ز آشنایان و دوستان تنها

(همان: ۲۰-۲۱)

دشمنی چرخ و روزگار با او

* دشمنی چرخ با او

گشت اژدهای جان من این اژدهای چرخ گر چه صلاح رهبر من بود چون عصا
چون باز و چرخ، چرخ همی داردم به بند گر در حذر غرابم و در رهبری قطا

(همان: ۱)

* قماربازی روزگار با او

با روزگار قمر همی‌بازم ای‌شگفت نایش شرم که چندین کند دغا

(همان)

غمگینی و قصه

با غم رقیق طبعم از آن‌سان گرفت انس کز در چو غم درآید گویدش مرحبا

(همان)

دشمنی قضا و قدر با او

تم به تیغ قضا طعمه هزبر نهند دلم به تیر عنا مسته عقاب کنند

(همان: ۹۵)

واژگان و ترکیبات حبسی

ترکیب واژه‌ها با یکدیگر وهم نشینی و کنار هم قرار گرفتن واژگان و واج‌های همگون که فرمی زیبا خلق می‌کنند هر یک نقش مهمی در تغییر لحن ایفا می‌کنند. «واژگان علاوه بر اینکه ابزار عینی کردن مفاهیم و تصاویر شعر هستند، در نمایش حس و حالت و ایجاد لحن نیز مؤثر هستند» (عمران‌پور، ۱۳۸۴: ۱۳۵)

در بیت:

آرد هوای نای مرا ناله‌های زار جز ناله‌های زار چه آرد هوای نای

(مسعود سعد: ۵۰۳)

تکرار واژگان هوا، ناله، زار، آرد و نای و هم‌نشینی آن‌ها در بیت و تناسب لحن غم‌انگیز با کلمه‌هایی مثل ناله، زاری و نای با مفهوم غم و اندوه، نهایت توانمندی شاعر در به‌کارگیری لحن مناسب برای شعر است. به عبارتی «قصاید حبسی او رنگ عاطفی دارد و گزارشگر هیجان‌های درونی اوست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۴۷۶) تکیه‌کلام او روی کلماتی همچون سمج و اشک و شب و... خود لحنی غمانه را در کل قصیده انتقال می‌دهد. علاوه بر آن تکرار واژگان در بیت از

مواردی است که لحن ساز است به‌خصوص اگر با همراهی جناس نیز باشد. در بیت زیر لحنی با فضای عاطفی حزن و اندوه سایه افکنده است.

چون نای بینوایم ازین نای بینوا شادی ندید هیچ‌کس از نای بینوا

(مسعود سعد: ۱)

صور خیال

مهم‌ترین عامل سازنده لحن، صور خیال است. شاعر با هنجار گریزی از زبان معیار فاصله می‌گیرد و تحت تأثیر موقعیت‌های احساسی و عاطفی عناصر زیباشناسی را در شعر وارد می‌کند. عناصر سازنده تصاویر در ذهن او دچار تغییر شده و متناسب با احوال او خلق می‌شوند. در حبسیه‌های مسعود سعد قدرت خیال و تصویرسازی ذهن از فضای زندان با کمک آرایه‌هایی که در ساخت صور خیال در شعر مورد استفاده قرار می‌گیرند همگی لحن ساز هستند این تصاویر شاعرانه نشان‌دهنده نحوه برداشت شاعر از امور است که در حیطه تصرف شاعر است. نقش‌های گوناگون از مسائل مبتلابه زندان اعم از غل و زنجیر و کوتاهی سقف زندان و سیاهی آن و ژنده بودن جامه و نداشتن زیرانداز و بدی غذا و اشک و آه خون‌آلود شاعر و ناسازگاری روزگار با او سبب ایجاد تصاویر نقش‌های گوناگون در ذهن شاعر شده استعاره‌ها و مبالغه و اغراق‌ها مراعات نظیر و تشبیه و... از این دست هستند

۱- مبالغه و اغراق

کردم به دم نسیم هوا را همی سموم کردم به اشک ریگ بیابان همی خلاب

(همان: ۱۴۱)

اندر تنم ز سرما بفسرد خون تن بگداخت بازم آتش دل مغز استخوان

(همان: ۴۲۷)

ساقط‌شده است قوت تن اگر نه من بر رقتمی ز روزن این سمج با هبا

(همان: ۱)

۲- **تلمیح:** از دیگر عوامل صور خیال در حبسیه‌های مسعود سعد تلمیح به پهلوانان و قهرمانان تاریخی و ملی - مذهبی است.
برقی چو دست موسی عمران به فعل و نور آرد همی پدید ز جیب هوا ضیا
(همان: ۲)

بسان بیژن در مانده‌ام به بند بلا جهان به من بر تاریک چون چه بیژن
(همان: ۳۸۸)

۳- **استعاره:** کارآمدترین ابزار تصویرسازی و نقاشی در شعر مسعود سعد استعاره است این ابزار هنری تصویرساز و تخیل آفرین موردعلاقه مسعود سعد است.
گویی که همی گزیده گوهرها بر چرم درفش کاویان بندم
(همان: ۳۳۵)

در بیت فوق مسعود سعد گزیده گوهرها را استعاره از اشک خود گرفته است که همانند گوهر گران‌بهاست.

گشت لاله ر خون دیده برم شد بنفشه ز زخم دست برم

(همان: ۳۳۱)

۴- **تشبیه:** مسعود سعد با آوردن تشبیه‌های متعدد نسبت به احوال خود واکنش نشان می‌دهد.
«گاهی امور حسی را به مجرد ذهنی مانند کرده است.» (ظفری: ۱۳۸۸: ۲۴۶)

چنان لرزم که اندر هوا نلرزد مرغ چنان بیچم کاندر زمین نیچد مار

(مسعود سعد ۲۵۸)

بند بر پای من چو مار دوسر من برو مانده همچو مار افسای

(همان: ۵۲۶)

دوش گفتی ز تیرگی شب من زلف حور است و رای اهریمن

زشت چون ظلم و بیکرانه چو حرص تیره چون محنت و سیه چو حزن

(همان: ۴۵۷)

شخصی شده از خوردن غم چون مویی قدی شده از رنج کشیدن چو کمانی

(همان: ۵۱۴)

۵- تشخیص؛ تشخیص و مردم‌نمایی در حبسیه‌های مسعود سعد چنان به کار گرفته شده و در

ایجاد لحن تأثیر دارند که گویی مظاهر مجازی زنده‌اند. و باید پاسخگوی رفتار خود باشند.

ای بی‌هنر زمانه مرا پاک درنورد وی کوردل سپهر مرا نیک برگرای
ای ازدهای چرخ دلم بیشتر بخور وی آسیای چرخ تنم تنگ‌تر بسای
ای دیده سعادت تاری شو و مبین وی مادر امید سترون شو و مزای

(همان: ۵۰۳-۵۰۴)

شاعر برای زمانه و سپهر و چرخ سعادت شخصیت انسانی قائل شده است.

ای جوانی تو را کجا جویم با که گویم غم تو گر گویم
یاسمین تو تا سمن گشته است سمن و یاسمین نمی‌بویم

(همان: ۱۲۲)

در بیت شاعر برای جوانی خود شخصیت انسانی قائل شده و او را مورد خطاب قرار می‌دهد.

ای لاوهور و یحک بی من چگونه‌ای بی آفتاب روشن، روشن چگونه‌ای؟
تو مرغزار بودی و من شیر مرغزار با من چگونه بودی و بی من چگونه‌ای؟

(همان: ۴۹۳)

۶- تکرار؛ تکرار گریز از هنجارهای زبانی است که طبق نظر یاکوبسن، تکرار، توازن در

وسیع‌ترین مفهوم خود است چراکه شعر را برجسته کرده و سبب موسیقی می‌شود. «این نوع موسیقی عالی‌ترین و ارزشمندترین نوع موسیقی شعر است؛ زیرا حاکی از وحدت میان شکل و محتواست.» (حمیدیان، ۱۳۸۷: ۴۵۶). و خلق لحن را در پی دارد.

آرد هوای نای مرا ناله‌های زار جز ناله‌های زار چه آرد هوای نای

(مسعود سعد: ۵۰۳)

نالم به دل چو نای من اندر حصار نای پستی گرفت همت من زین بلند جای

(همان: ۹۵)

در بیت اول مصوت بلند "ا" سیزده بار و در بیت دوم پنج بار بیت را سرشار از موسیقی کرده و تأسف و آه شاعر را از وضع زندان نشان داده همچنین هجای (وای، نای، های) خود در لحن آفرینی و نقش عاطفی این اندوه زدگی مؤثرند.

اصوات

اصوات نقش مهمی در خلق لحن دارند. موسیقی ناشی از کشش در اصوات و واک‌ها اعم از صامت‌ها یا مصوت‌ها در تقطیع عروضی پنهان است ولی به صورت سماعی و در خوانش ظاهر شده و در لحن‌سازی نقش دارد. «موسیقی، یکی از هنرهای زیباست که در ابتدای خلقت در نهاد طبیعت مستور بوده، آهنگ مرغان خوش‌نوا، وزش باد، حرکت برگ درختان، ریزش آبشارها موسیقی ابتدایی بشر و اولین آموزگار انسان در آموختن این هنر بوده است.» (خالقی، ۱۳۷۸: ۱) برای درک این نوع از موسیقی شعر، ملاک ما خوانش شعر است، این موسیقی‌ها در خواندار شعر ذات خود را نشان می‌دهند و ما با رقص و آهنگی که در کلمات با خوانش ایجاد می‌کنیم در زیبایی شعر تأثیر می‌گذاریم. مهم‌ترین نقش‌های رقص و آژگان، نقش زیباشناختی رشته صوت‌هایی است که بنا بر ذوق، کشش در آن‌ها ایجاد می‌کنیم. این امر ساختاری را پدید می‌آورد که باعث زیبایی در شعر و ایجاد لحن می‌شود. همانند مصوت بلند "ار" که در جای‌جای قصیده و پایان مصراع‌ها با مطلع زیر مرتب تکرار شده و لحن‌سازی کرده است.

فریاد مرا زین فلک آینه کردار کاینه‌ی بخت من ازو دارد زنگار

(مسعود سعد: ۱۷۶)

۱. انواع لحن در حبسیه‌های مسعود سعد: با توجه به مفاهیمی که برای لحن گفته شد مسعود سعد لحن‌های مختلفی به کار گرفته است. نکته مهم این که لحن او کلامی نیست بلکه «شیوه بیان و مواضع درنگ و تکیه و تأکید است.» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۷۶) که با نوع زندگی و شعر او مطابقت دارد و به عبارتی حبسیه‌های او سبب تغییر لحن زبانی او شده است و به شیوه‌های مختلف لحن ناله و آه و فریاد، غمانه، مضطربانه، اعتراضی، گلایه‌آمیز، مفاخره‌آمیز، خشمگینانه و... به مقتضای احوال او ظهور و بروز یافته است؛ و گاه به تصریح و پنهان.

لحن توصیفی: مسعود سعد با به‌کارگیری لحن وصفی با فضاسازی از صحنه‌های موجود و بیان احساسات خود با کمک آرایه‌های مختلف وضعیت زندان و بلاهایی را که متحمل می‌شود به طور دقیق با توصیف حالات جسم و روح خود به تصویر می‌کشد.

دلم از نیستی چو ترسان‌یست	تم از عافیت هراسان‌یست
در دل از تف سینه صاعقه ایست	بر تن از آب‌دیده طوفان‌یست
همچو لاله ز خون‌دل روئ‌یست	چون بنفشه ز زخم کف ران‌یست
روز در چشم من چو اهرمنست	بند بر پای من چو ثعبان‌یست

(مسعود سعد: ۶۷-۶۸)

لحن خطابی؛ این لحن با کلمه‌هایی منادایی همچون "ای" و "یا" به کار می‌رود.

ای برادر برادرت را بین	که چگونه اسیر زندانست
بینوائی است بسته در سمجی	با نوا چون هزارستانست...
مانده در محکم و گران‌بندیست	مانده در تنگ و تیره زندان‌یست
اندران چه همی نگر امروز	گو اسیر دروغ و بهتان‌یست

(همان: ۶۹)

لحن تحکمی؛ شاعر در این نوع از بیان با لحنی تند خود و یا دیگری را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌خواهد از زیر بار حرف زور شانه خالی کند.

شد دیده تیره و نخورم غم ز بهر آنک	روزم همه‌شب است صباحم همه مسا
انده چرا برم چو تحمل بیایدم	روی از که بایدم که کسی نیست آشنا

(همان: ۱)

لحن تعجبی: این لحن در مواقعی که اتفاق ناخوشایندی پیش آید و نویسنده بخواهد احساسات خود را همچون خشم و نفرت و یا شوق و اشتیاق را مطرح کند، به‌کار می‌رود.

آسیمه شدم هیچ‌ندانم چه کنم من	عاجز شدم و کردم بر عجز خود اقرار!
گویی که مگر راحت من مهر بتان است	کاسباب وجودش به جهان نیست پدیدار!

از گنبد دوار همی خیره بمانم

بس کس که چو من خیره شد از گنبد دوار

(همان: ۱۷۶)

لحن تفاخرآمیز: این لحن در اظهار بزرگی و نازش در مقابل دیگران و فخرفروشی و اظهار فضل و دانش است. بیان کوبنده و باصلابت در قالب جملات کوتاه حتی برای رضایت ممدوح از ویژگی اوست.

از جای خود نجنیم چون قطب آسیا	گر بر سرم بگردد چون آسیا فلک
کاخر بروم آرد یک روز در وغا	آن گوهری حسام در دست روزگار
روزی به یک صقال بجای آید این مضا	در صد مصاف و معرکه گر کند گشته‌ام

(همان: ۲)

و:

داند جهان که مادر ملک است حصن نای	نه نه ز حصن نای بیفزود جاه من
زی زهره برده دست و به مه برنهاده پای	من چون ملوک سر ز فلک بر گذاشته
وز طبع گه خرامم در باغ دلگشای	از دیده گاه پاشم درهای قیمتی

(همان: ۵۰۳)

لحن اندوهگینانه: این لحن با احساس غم و اندوه در برابر رویدادهای ناخوشایندی که در طول نوزده سال زندان، فراروی شاعر است در اشعار او سایه افکنده است.

همانا بازشناسی چو بینی	مرا روزی ز زاری و نوانی...
مرا اینجا ز بس آنده که خوردم	فرامش گشت رسم شادمانی
غم آمد سود من بر مایه عمر	که کرد ست این چنین بازارگانی

(همان ۶۳۰)

لحن امیدوارانه: این لحن در مواقعی است که انتظار آینده‌ای روشن فرا روی کسی است و او اطمینان به فردایی بهتر دارد.

چون منی را فلک بیازارد خردش بی‌خرد نینگارد...
 از فلک تنگ‌دل مشو مسعود گر فراوان ترا بیازارد
 بد میندیش سر چو سرو برآر گر جهان بر سرت فرود آرد
 حق نرفته است بنگری روزی که حق تو تمام بگزارد

(همان: ۱۰۶)

لحن مضطربانه: این حالت «سبب ایجاد تنش و ناراحتی در وجود شده و ترسی از آنچه در

حال وقوع است را در وی ایجاد می‌کند.» (شولتز و سیدنی، ۱۳۹۱: ۶۰)

چرا نگرید چشم و چرا ننالد تن کزین برفت نشاط و وزان برفت وسن
 چنان بگریم کم دشمنان ببخشایند چو یادم آید از دوستان و اهل وطن
 سحر شوم ز غم و پیرهن همی بدرم ز بهر آنکه نشان من است پیرهن
 ز رنج و ضعف بدان جایگه رسید تنم که راست ناید اگر در خطاب گویم من

(مسعود سعد: ۳۷۸)

لحن آه و ناله: این لحن همراه با شکایت و آه و فریاد شاعر است از وضعیت غم و اندوه

رقت‌انگیزی که در آن گرفتار شده. او در ابتدای مصراع با کلماتی که با لحنی حزن‌آلود است مخاطب

خود را به توجه فرامی‌خواند. تکرار "ای" نشانه آه و افسوس و تداعی‌کننده غم و اندوه است.

نالم به دل چو نای من اندر حصار نای پستی گرفت همت من زین بلند جای
 آرد هوای نای مرا ناله‌های زار جز ناله‌های زار چه آرد هوای نای

(همان: ۵۰۳)

همه همسایگان همی‌شنوند گریه سخت و ناله زارم
 بسته این سپهر رزاقم خسته این جهان غدارم
 کاین سیه می‌کند به غم روزم وین تبه می‌کند به بد کارم
 نه بدان غمگنم که محبوسم نه بدان رنجهام که بیمارم

(همان: ۳۲۹)

و:

زین سمج تنگ چشمم چون چشم اکمه است

زین بام گشت پشتم چون پشت پارسا

ساقط شده است قوت من پاک اگر نه من

بر رفتمی ز روزن این سمج با هبا

(همان: ۱)

لحن مأیوسانه و ناامیدانه: مسعود سعد به علت استمرار حضورش در زندان امیدواری به

نجات از زندان در خودش نمی‌بیند.

ای طالع نگون من ای کژرو حرون

ای نحس بی سعادت وای خوف بی رجا

(همان: ۲)

چرا خورم غم فردا وز آن چه اندیشم

که نیست یک شب جان مرا امید بقا

چو شمع زارم و سوزان و هر شبی گویم

نماند خواهد چون شمع زنده تا فردا

(همان: ۷)

لحن ملتمسانه و عذرخواهانه: وقتی امکان دسترسی به صورت مکتوب برایش فراهم می‌شود

علی‌رغم ناامیدی باز ملتمسانه دست به دامن ممدوح خود می‌شود.

ای خاصه شاه شرق فریاد

چرخم بکشد همی ز بیداد

ازبهر خدای دست من گیر

کز پای تن من اندر افتاد

جور است ز روزگار بر من

ای حاکم روزگار فریاد...

بنده شومت درم خریده

زین حبس گرم کنی تو آزاد

(همان: ۹۴)

لحن دادخواهانه و اعتراضی: وقتی راه نجاتی برای خود نمی‌بیند با اعتراض لحنی دادخواهانه

را برمی‌گزیند.

همه‌شب از نهیب سیل سرشک خوابم از دیدگان جدا باشد
 هر چه گویم همی برین سر کوه پاسخ من همه صدا باشد
 بسته اکنون به بند و زندانم تو چه گویی چنین روا باشد؟
 از تو شادی است قسمت همگان غم دل قسم من چرا باشد

(همان: ۹۳)

لحن فلسفی و لحن استدلالی: لحنی است که با دلیل آوردن همراه است و شاعر به قیاس وضع خود با کوه می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که کوه هم تحمل رنج و اندوه او را ندارد. گر آنچه هست بر این تن نهند بر کهسار

ور آنچه هست درین دل زند بر دریا

تابش آب شود درّ در میان صدف

ز رنج خون شودی لعل در دل خارا

(همان: ۸)

لحن گلایه‌آمیز: از این که ممدوح او را به زندان سپرده گلایه می‌کند و به استهزاء این را از عطای ممدوح می‌داند.

بر من آن کرده‌ای در این زندان که شد اندر میان خلق سمر...
 مر مرا از عطای تو این جا هست هرگونه نعمتی بی مر
 دل من خون شده ز خون شکم اشک من خون شده ز خون جگر
 تنم از رنج تافته چو رسن پشتم از بار درد چون چنبر

(همان: ۱۶۷)

ز صبر و خواب چه بهره بود مرا که مرا

به درد و رنج دل و مغز، خون و آب کنند

من آن غریبم و بی‌کس که تا به‌روز سپید

ستارگان ز برای من اضطراب کنند...

ز بس که بر من باران غم ززند مرا

سرشک دیده صدف‌وار در ناب کنند...

بر این حصار ز دیوانگی چنان شده‌ام

که اختران همه دیوم همی خطاب کنند

(همان: ۹۵)

لحن انتقادی: مسعود سعد با لحنی انتقادی و توصیف اوضاعی که پیش رویش قرار دارد دل

مخاطب را هم می‌لرزاند و با خود همراه می‌کند.

تا کی دلم ز تیر حوادث شود جریح

تا کی تنم ز جور زمانه بود علیل

هرگز ز من نگیرد چنگ قضا شکار

هرگز چو من نیابد تیر قدر قتیل

هرگز به چشم خفت به من مکن نگاه

ور چند بر دو پایم‌بندی است بس ثقیل

(همان: ۳۲۱)

و:

همی‌گویم‌ای طالع سرنگون چرائی همه‌ساله با من به جنگ

درین سمج هرگز نگنجیدی به صد چاره و جهد و نیرنگ و رنگ

گرم تن نگشتی از این‌سان نزار ورم دل نبودى از این‌گونه تنگ...

همی تا کیم کرد باید نگاه به پشت و بدخش غلیواژ و رنگ

(همان: ۳۰۵)

لحن حسرت‌آمیز: تأسف و افسوس خوردن بر نداری خود در زندان و گرانی بند و سنگدلی

نگهبان زندان، لحنی اسفناک را القا می‌کند.

به خدای ار مرا درین زندان جز یکی پاره بوریا باشد
 نان کشکین اگر بیام هیچ راست گویی زلیبا باشد...
 وان گهم سنگدل نگهبانی که چو او در کلیسیا باشد...
 حبس رازدهام مرا گویی رنج و غم مادر و نیا باشد

(همان: ۱۰۸)

لحن طنزآمیز: مسعود سعد با به‌کارگیری طنز، بالای نازل‌شده بر خود را به استهزاء می‌گیرد و با لحنی طنزآلود وضع خود را بیان می‌کند.

من بلا را نشانده پیش و بدو شده خرسند اینت هول و ولا
 همت من همه در آن بسته که مرا هست عمر تا فردا
 موی‌ها بر تنم چو پنجه شیر بند بر پای من چو اژدرها

(همان: ۱۹)

لحن آمرانه: خطاب به خود تأکید می‌کند در مقابل حوادث نباید تسلیم شود و باید همچون سروی آزاد پایداری کند.

مسعود سعد گردش و پیچش چرا کنی
 در گردش حوادث و در پیچش عنا
 خودرو چو خس مباحش به هر سرد و گرم دهر
 آزاده سرو باش به هر شدت و رخا
 می دان یقین که شادی و راحت فرستدت
 گر چند گشته‌ای به غم و درد مبتلا

(همان: ۲)

لحن استرحام آمیز: ذکر فراق و دوری از زن و فرزند و آشنایان اندوه و درد شاعر را دوچندان کرده و با لحنی عاطفی فریاد می‌دارد.

تیر و تیغ است بر دل و جگرم
هم بدین‌سان گدازدم شب و روز
غم و تیمار دختر و پسر
غم و تیمار مادر و پدر
از غم و درد آن دل و جگرم
نه بدیشان همی‌رسد خبرم
نه خبر می‌رسد مرا زایشان

(همان: ۳۳۱)

و:

در غم زال مادری که شده است
نیل کرده رخس ز سیلی غم
از غم و درد و رنج من شنیدا
کرده کافور دیدگان ز بکا و...

(همان: ۲۰)

نتیجه‌گیری

لحن از عناصر مهم زبانی محسوب می‌شود. مسعود سعد در حبسیه‌های خود از لحن‌های مختلف استفاده کرده است. عوامل لحن ساز در حبسیه‌های این شاعر از جمله موسیقی‌های مختلف در بافت کلام، صور خیال، واژگان، اصوات، تکرار و مضامین و محتوای حبسی، با توجه به حالات و احساسات و عواطف او لحنی غم‌انگیز و اندوهگینانه به شعر او بخشیده است. بافت این لحن‌ها به سبب توصیف‌های دقیق از رنج و اندوه در حصار نای و سمج تنگ و بدرفتاری زندانبانان نای و سو و دهک با او و ناسازگاری بخت و روزگار که برآمده از ناخودآگاه شاعر است، مضطربانه و اندوهگینانه و با آه و حسرت و زاری همراه است. عوامل دخیل لحن ساز در شعر او شامل وزن، واژگان و مضامین مختلف حبسی همگی در موسیقی غم‌انگیز و زیبایی‌شناختی شعر حبسی او نقش دارند و در این جهت موسیقی شعر او، اعم از درونی (اوزان و بحرهای مثنی) موسیقی بیرونی (واژگان و هم‌نشینی آن‌ها با یکدیگر و تکرار و جناس و واج‌آرایی‌ها و تلمیحات و اشارات و تصاویر)، موسیقی کناری از جمله قافیه و ردیف، سبب ساخت‌های خلاق لحن شده‌اند. صور خیال و قوه تخیل او در زمینه‌های مختلف از جمله تشبیه، استعاره، تکرار، تلمیح و... که جنبه زیبایی‌شناسی نیز دارد و در لحن‌سازی قصاد او تأثیر دارند همه

و همه در خدمت تقویت لحن حبسیه‌های او هستند. این عوامل لحن ساز سبب برانگیختن و درگیر کردن مخاطب باغم و اندوه و مصائبی است که شاعر در دوره حبس با آن‌ها مواجه بوده است. در نتیجه با لحن‌های مفاخره آمیز، غم‌انگیز و اندوه آمیز تعجبی، مضطربانه و... در حبسیه‌های او شاهد هستیم و همین عامل سبب تفاوت اشعار حبسی این شاعر با دیگر اشعار مدحی اوست و توانسته مسعود سعد را از شاعران دیگر متمایز کند.

منابع و مآخذ

- آقاجانی، شمس. (۱۳۷۸). درآمدی بر لحن محاوره در شعر مجله بایا شماره ۸ و ۹ صص ۸۷-۸۹ اسکولز، رابرت. (۱۳۸۷) عناصر داستان. ترجمه فرزانه طاهری. تهران. نشر مرکز.
- ابرمز، ام، جی (۱۳۸۴) فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی. ترجمه سعید سبزیان تهران. رهنما
- ارشادنژاد، شهرام (۱۳۷۷) فن شعر انگلیسی؛ چاپ اول، تهران: گیل
- اسکویی، نرگس. (۱۳۹۳) لحن حماسی در شعر خاقانی. فصلنامه زبان و ادب فارسی تبریز. ش. ۲۳۰ صص. ۱-۲۳
- پرین، لورنس (۱۳۹۳). ادبیات. ترجمه علیرضا فرح بخش. تهران. قطره
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۰) بلاغت و گفت‌وگوی متن، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت‌معلم، شماره، ۳۲ صص. ۱۱-۳۷
- حق‌شناس، محمدعلی (۱۳۷۰) مقالات ادبی - زبان‌شناختی. تهران نیلوفر
- خالقی، روح‌الله (۱۳۷۸). نظری به موسیقی، چاپ پنجم. تهران. محور
- حمیدیان، سعید: (۱۳۸۷) درآمدی بر هنر و اندیشه فردوسی. تهران ناهید
- زرین کوب عبدالحسین (۱۳۴۶) شعر بی‌دروغ شعر بی‌نقاب. تهران. سازمان چاپ
- سبحانی، توفیق (۱۳۷۲) گزیده اشعار مسعود سعد سلمان. مقدمه تهران. انتشارات علمی
- شولتز، دوان. سیدنی، آلن. (۱۳۹۱) نظریه‌های شخصیت. ترجمه سید یحیی محمدی تهران. ویرایش
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۳) موسیقی شعر. ج ۱۵. تهران آگاه
- _____ (۱۳۵۰) صور خیال در شعر فارسی. تهران. انتشارات نیل

عمران‌پور، محمدرضا (۱۳۸۴) عوامل ایجاد، تغییر، تنوع و نقش لحن در شعر. فصلنامه پژوهش‌های ادبی. شماره ۹ و ۱۰ صص ۱۲۷-۱۴۱.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۷) در گلستان خیال حافظ. تهران.

فتوحی، محمود (۱۳۹۰) سبک‌شناسی (نظریه‌ها رویکردها و روش‌ها) تهران سخن.

ظفری، ولی‌الله (۱۳۸۸). حبسیه در ادب فارسی. تهران. انتشارات امیرکبیر.

محجوب، محمدجعفر (۱۳۷۲) سبک خراسانی در شعر فارسی. تهران. چاپ فردوس.

مسعود سعد سلمان (۱۳۶۲) دیوان مسعود سعد سلمان. تصحیح رشید یاسمی. چاپ دوم. انتشارات امیرکبیر.

مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۴۶). شعر و ادب فارسی. تهران. شرکت مطبوعات افشاری.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳) وزن شعر فارسی. چاپ ششم. انتشارات توس. تهران.

----- (۱۳۴۷) زبان شعر. مجله سخن. ش ۱۸... ۶. ۲۵۷-۲۶۱.

ملاح، حسینعلی (۱۳۶۳) حافظ و موسیقی. تهران. هیرمند.

نظامی عروضی سمرقندی (۱۳۶۸) چهارمقاله. به اهتمام و تصحیح محمد قزوینی. تهران انتشارات طهوری.

Aesthetic analysis of the tone in Massoud Saad Salman's imprisonments

Ali Asmand Jonaghani Ph.D^{1*}

Abstract

One of the sub-branches of Ghanaian literature in Persian is Habsiyeh or prison name. Among Iranian poets, Masoud Saad has the most imprisonment. His poetry of imprisonment in the context of words expresses various tones that play a significant role in creating atmosphere and conveying his message. The constituent elements of different tones in Abyssinia have influenced the connection with the reader and the aesthetic of his poetry. The purpose of this research is to investigate the effective factors in creating tone and its types in Masoud Saad's habisiyeh. In this research, we have investigated the factors that were effective in the variety of tone in his poetry with library tools using descriptive and analytical method, and we have come to the conclusion that many elements such as images, music, sounds and tones suitable for confinement, weight, vocabulary, from The factors that create the tone in Masoud Saad's imprisonments are: he has used protesting, aggressive, complaining, sad, helpless, etc. tones in making his imprisonments. This variety of tone has an effect on his success in conveying the message, for this reason, without understanding the type of tone, it is difficult to understand the meaning and structure of his poetry.

Keywords: Tone, Imprisonment, Masoud Saad, Aesthetic, music.

1. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamshahr, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

Email: Ali.asmand@iau.ac.ir